

به نام خداوند جان و خرد

رنگین کمان فکر

گونه های جدید تشبیه در اشعار نیمایی

www.ketab.ir

تألیف:

مهري رزمجو

سرشناسه: رزمجو، مهری، ۱۳۴۸ -
عنوان قراردادی: رنگین کمان فکر: گونه‌های جدید تشبیه در اشعار
نیمایی/تالیف مهری رزمجو:
مشخصات ظاهری: تهران: پرنو، ۱۲۰ ص
انتشارات پرنو: شابک: ۸-۳۲-۹۹۶۵-۶۰۰-۹۷۸
موضوع: نیمایوشیج، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۸، مستعار -- نقد و تفسیر
موضوع: تشبیه
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده بندی کنگره: PIR ۳۳۶۳ / ت ۴۵۳ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی: ۸۰۴۲۷۷ / ۴۲۸
شماره کتابخانه ملی: ۵۰۴۳۷۷



انتشارات پرنو

انتشارات پرنو

تهران، میدان انقلاب، خیابان امام، پلاک ۲۶۶ طبقه هم کف، تلفن:
۰۹۱۲۳۱۱۹۹۹ و ۰۶۶۹۶۹۰۵۵

رنگین کمان فکر

(گونه‌های جدید تشبیه در اشعار نیمایی)

مهری رزمجو

طراح جلد فاطمه مقدس

لیتوگرافی صدف* چاپخانه مه‌ارت* صحافی مهرگان نوبت

چاپ دوم ۱۴۰۲ شمارگان* ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۴۵۰۰ تومان* شماره نشر ۱۲۵

شابک: ۸-۳۲-۹۹۶۵-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ: ۱۱۴۰۲، انتشارات پرنو ©

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول : کلیات و ملاحظات نظری.....	۱۳
۱-۱- تعریف تشبیه.....	۱۵
۱-۲- ارکان تشبیه.....	۱۷
۱-۳- انواع تشبیه.....	۲۰
۱-۴- اغراض تشبیه.....	۲۸
۱-۵- مقصود از تحول.....	۳۲
۱-۶- تحول تشبیه.....	۳۴
فصل دوم: رابطه تشبیه با دستور.....	۳۷
۱-۲- بخش اول: نقش دستوری ارکان تشبیه.....	۴۱
۱-۱-۱- حروف اضافه.....	۴۲
۱-۲-۱- اسم و صفت.....	۴۵
۱-۳-۱- حروف ربط.....	۴۸
۱-۴-۱- قید.....	۵۱
۱-۵-۱- فعل.....	۵۳
۱-۶-۱- پسوند.....	۶۰
۱-۷-۱- شبه پسوند.....	۶۳
۱-۲-۲- بخش دوم: بررسی ابهام نقش‌هایی از دستور در تشبیه.....	۶۶

۶۷..... ۱-۲-۲ منادا

۷۵..... ۲-۲-۲ کلمات مرکب تشبیهی

۷۷..... ۳-۲-۲ ترکیب‌های وصفی تشبیهی

۸۴..... ۳-۲-۲ بخش سوم: تشبیه در ارتباط با علم معانی

۸۴..... ۱-۳-۲ تشبیه در قالب خبر انکاری

۸۷..... ۲-۳-۲ تشبیه در قالب انشامری

۹۱..... فصل سوم: تحول تشبیه در قالب نیمایی

۹۴..... ۱-۳-۱ جمله‌های معترضه

۹۹..... ۲-۳-۲ امکان تکرار نقش‌های دستوری

۱۰۰..... ۳-۳-۲ طولانی شدن اضافه‌های تشبیهی

۱۰۷..... فصل چهارم: نمایی کلی از تحول تشبیه

۱۲۰..... یادداشت‌ها

۱۰۹..... کتابنامه

پیشگفتار

در طول روز خواسته و ناخواسته تشبیه‌های زیادی می‌سازیم و به کار می‌بریم و یا در کلام دیگران حتماً جمله‌های تشبیهی را می‌شنویم. این انس عمومی فارسی‌زبانان با تشبیه ثابت می‌کند که این آرایه پرکاربردترین، عام‌ترین و حتی دلنشین‌ترین آرایه ادب فارسی از دیرباز تاکنون است. تشبیه‌هایی که آگاهانه یا ناآگاهانه به کار می‌بریم کلام ما را ملموس‌تر و عینی‌تر می‌کند.

همچنین پایه بسیاری از تمثیل‌ها و ضرب‌المثل‌های رایج زبان ما تشبیه است آنچنان که ۲۶۸ مثل در کتاب امثال و حکم دهخدا مستقیماً با ادات تشبیه «مثل» شروع شده است و غیر از این موارد هم بسیاری ضرب‌المثل‌های تشبیهی مانند: «در غورگی مویز شده»، «چون سیم قلب

در کیسه ماندن»؛ «به گدای سامره می ماند»؛ «خواب پاسبان چراغ دزد است» و یا «چو قانع شوی سنگ و سیمت یکی است» و گاه شاعران از این ضرب‌المثل‌ها در ترکیب تشبیه خود بهره برده‌اند مانند:

به رنج بردن بیهوده گنج نتوان برد که بخت راست فضیلت نه زور بازو را

سعدی: ۱۹

و یا:

کس نداند که در این شهر گرفتار تو نیست هیچ بازار چنین گرم که بازار تو نیست

سعدی: ۱۲۵

همچنین در نمونه زیر:

منه زنه‌ار بیرون پای از حد گلبم خود

کز افتادن محط‌ر کمتر بود دامن سواران را

صائب: ۴۱۰

در اشعار معاصر هم چنین بهره ای را می یابیم مانند :

افتاده ز بام خاک در گه شده‌ام چون سایه نیمروز کوتاه شده‌ام

سیاه مشق: ۳۱۵

شاید اغراق‌آمیزترین شکل‌های تشبیه بوده‌اند که اسطوره‌ها و خوارق عادت را آفریده‌اند مثلاً «دیو» مشبه به بسیاری افراطی برای زشت‌رو است و «رویین تنی» مشبه به بسیار مبالغه‌آمیزی برای بهبود یافتن طبیعی زخم‌های جسمانی و «سیمرغ» می‌تواند مشبه به

خیال‌انگیزی باشد برای پرندگان سخن‌گو که هنوز هم بشر به درستی نمی‌داند که هوشمندانه می‌گویند و یا مقلدانه.

کاربرد تشبیه منحصر به جادوی کلام یعنی اشعار و نوشته‌های فخیم ادبی نمانده است و در سایر اقسام هنر هم به کار می‌رود. به عنوان مثال؛ بسیاری از کاریکاتورها براساس یک شباهت صورت پذیرفته‌اند.

از این کاربردهای عامیانه و جانبی که بگذریم در حیطه ادبیات فارسی، هیچ دفتر و دیوانی را خالی از تشبیه نمی‌یابیم و اگر تشبیه را از آثار سترگ ادبی حذف کنیم به حق باید گفت تمام شاه‌بیت‌ها و تصویرگری‌های لذت‌بخش ادبی را از بین برده‌ایم. بدون تشبیه، غزلیات سحرانگیز حافظ شباهتی به حال ما ندارد و تفأل احوالمان نیست و از غزلیات شورانگیز مولانا پس از حذف تشبیه‌های مفروق و جمع و تسویه چیزی باقی نخواهد ماند.

اگر تشبیه را از دیدگاه سبک‌شناسی و نقد ادبی بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تنها با مطالعه تشبیه در آثار یک شاعر یا نویسنده می‌توان به سبک خاص او پی برد و با تأملی دقیق‌تر؛ شخصیت، اندیشه و دغدغه‌های او را در ارکان تشبیه‌هایش کاوید.

به موازات چنین کارآیی و تأثیری، طبیعی است که بیشترین میزان تغییر و تحول ساختاری، زبانی و معنایی را در مقایسه با سایر آرایه‌ها؛ در تشبیه مشاهده کنیم. و اگر بخواهیم تحول سبکی ادوار مختلف شعر

خیال‌انگیزی باشد برای پرندگان سخن‌گو که هنوز هم بشر به درستی نمی‌داند که هوشمندانه می‌گویند و یا مقلدانه.

کاربرد تشبیه منحصر به جادوی کلام یعنی اشعار و نوشته‌های فخیم ادبی نمانده است و در سایر اقسام هنر هم به کار می‌رود. به عنوان مثال؛ بسیاری از کاریکاتورها براساس یک شباهت صورت پذیرفته‌اند.

از این کاربردهای عامیانه و جانبی که بگذریم در حیطه ادبیات فارسی، هیچ دفتر و دیوانی را خالی از تشبیه نمی‌یابیم و اگر تشبیه را از آثار سترگ ادبی حذف کنیم به حق باید گفت تمام شاه‌بیت‌ها و تصویرگری‌های لذت‌بخش ادبی را از بین برده‌ایم. بدون تشبیه، غزلیات سحرانگیز حافظ شباهتی به حال ما ندارد و تفأل احوالمان نیست و از غزلیات شورانگیز مولانا پس از حذف تشبیه‌های مفروق و جمع و تسویه چیزی باقی نخواهد ماند.

اگر تشبیه را از دیدگاه سبک‌شناسی و نقد ادبی بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تنها با مطالعه تشبیه در آثار یک شاعر یا نویسنده می‌توان به سبک خاص او پی برد و با تأملی دقیق‌تر؛ شخصیت، اندیشه و دغدغه‌های او را در ارکان تشبیه‌هایش کاوید.

به موازات چنین کارآیی و تأثیری، طبیعی است که بیشترین میزان تغییر و تحول ساختاری، زبانی و معنایی را در مقایسه با سایر آرایه‌ها؛ در تشبیه مشاهده کنیم. و اگر بخواهیم تحول سبکی ادوار مختلف شعر

فارسی را بررسی کنیم، مطالعه تشبیه در اشعار هر دوره بهره مناسب و نسبتاً کافی خواهد بخشید.

در بعضی از کتاب‌های آرایه، سبک‌شناسی، نقد ادبی و حتی تا اندازه‌ای تاریخ ادبیات، به تحول تشبیه در ادوار گذشته شعر فارسی به شکلی غیر منسجم اشاره شده است اما بررسی روند این تحول به گونه‌ای اصولی و همه جانبه نتایج شگفت‌آوری خواهد داشت.

در تألیف حاضر، پس از مقدماتی مختصر در معرفی تشبیه و ذکر انواع و اغراض آن، تلاش شده است که تحول ساختاری تشبیه در شعر معاصر با رویکردی به اشعار نیما، دکتر شفیعی کدکنی و هوشنگ ابتهاج بررسی شود.

این که از میان شاعران معاصر، اشعار این استادان را برای تحقیق انتخاب کردم هر کدام به جهتی بوده است. زبان شعری نیما یوشیج چنان ساده و نزدیک به طبیعی‌ترین نحوه جمله سازی است که تشبیه را همچون بسیاری از آرایه‌های دیگر در آن جایی نیست اما نیما با ترویج قالبی جدید، امکاناتی را در شعر فارسی فراهم نموده است که در مواردی شکل جدیدی به تشبیه بخشیده‌اند هر چند که خود نیما از این امکانات شعر نو جهت ساخت تشبیه‌هایی با ساختار جدید استفاده نکرده است ولی نوآوری او دستمایه شاعران خوش ذوق و زیرک پس از او شده است. در بخشی جداگانه و مشروح به این امکانات قالب نو نیمایی اشاره خواهد شد.

اما در اشعار هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه) مشبّه به و وجه شبه چنان ماهرانه انتخاب شده‌اند و هوشمندانه با آرایه‌های دیگری چون مراعات‌النظیر - که حلقه‌ای در ساختمان تشبیه دارد - ابهام - در پایه‌های تشبیه - و مجاز و استعاره ترکیب شده است که شعر او را سرزمینی بکر و جادویی و در عین حال در دسترس می‌یابیم.

ویژگی‌های تشبیه در شعر دکتر شفیعی کدکنی که سبب تعلق خاطر به اشعار ایشان می‌شوند بسیارند از جمله تنوع پایه‌های تشبیه و توجه به مشبّه‌های تازه؛ حفظ سه پایه‌ی تشبیه در یک سروده و تغییر پایه دیگر که معمولاً مشبّه به یا وجه شبه تغییر می‌کند، ساخت واژه‌های مرکب تشبیه‌ی؛ استفاده بسیار هنرمندانه از قالب شعر نو و ایجاد تشبیه‌هایی با تکرار نقش دستوری و یا جمله معترضه و ... به هر یک از این موارد با ذکر نمونه‌هایی خواهیم پرداخت.